نقدی برکتاب جغرافیای دهم ( دوره دوم متوسطه)

مولف کتاب درسی، وقتی کتابی را می نویسدحاصل یک عمرمطالعه وتدریس خودراعرضه می کند .زحمت می کشد که حتی برای یک دوره هم که شده کتابش وارد مدارس شود. مصداق ومثال پررنگ آن یک زمانی وقتی که کتا ب جغرافیای پیش دانشگاهی وارد کتب متوسطه انسانی شد .دیری نپائید که متوجه شدند این کتاب بسیارمشکل ودشواراست وبرخی ازمعلمها ازپس آن برنمی آمدند و بسیاری از مطالب آنرا با حفظ کردن وبدون داشتن اطلاعات عمیق آنرا درس می دادند. بسیاری ازمثالهای کتاب احتیاج به ریاضی وآمار استنباطی داشت لذا هردبیریا معلمی نمی توانست بطورواقعی آنرا تدریس کند .واین کتاب درانحصار دبیران جغرافیا بود. ولی نهایتا این کتاب باقی ماند زیرا دارای محتوای پربار وکاربردی جغرافیا بود.

به طور طبیعی باید اینگونه نقد کرد که ابتدا نکات مثبت کتاب را درنظر گرفته شود وبعد از بیان وجوه مثبت سراغ زمینه های نقد وابعاد منفی کتاب شد. حسن این کتاب به نظر من این است که خواسته است یا سعی کرده است که دانش آموز محورباشد و دانش آموز با انجام فعالیتهای متعددی که درکتاب وجود دارد خود یه مطالب ونتیجه مورد نظر برسد. اما متاسفانه تضاد ودوگانگی عجیب درکل کتاب به چشم می خورد. ازیک طرف سادگی بسیاری ازمطالب که بدیهی و ابتدایی هستند به نوعی توهین به شعور وآگاهی دبیرو دانش آموز به شمار می آِید. وازطرف دیگر انجام بعضی ازفعالیتها احتیاج به داشتن اطلاعات عمیق در زمینه های جغرافیای انسانی وطبیعی است که انجام آنها بدون همکاری دبیرامکان پذیر نیست.

مطالب دردروس به خوبی تفکیک نشده است و همچنین مولفین فصول نتوانسته اند ارتباط طولی وعرضی بین مطالب کتاب ایجادکنند. که نتیجه آن ایجاد تضاد ، دوگانگی ودلسردی نسبت به کتا ب درذهن دانش آموز است.

کتاب باید با عمق بخشی که درمعلم و زمینه های فکرکردن را ایجاد کند. این کتاب دراکثرموارد مطالب سطحی وابتدایی وتکراری دوره متوسطه اول است ومطالب خیلی تفسیری وتحلیلی درآن به ندرت به چشم می خورد.

کتاب درسی مانند جغرافیا باید طوری نگاشته شود وبه روز باشد که معلم برای اینکه بتواند این کتاب را آموزش دهد اصلا چاره ای جزمطالعه نداشته باشد. متن کتاب با ید درحد دوره متوسطه دوم باید به حدی سنگین باشد که اگر معلم اشراف کامل نداشته باشد تدریس او با مشکل مواجه شود. بنابراین معلم ناچاراست انواع کتابها را مطالعه کند . باید بعضی از قسمتهای کتاب به قدری پیچیده باشد که برای باز کردن موضوع، معلم باید به بیان انواع مسائل اشراف داشته باشد.و چنان با زبردستی انواع مصادیق ومثالها را مطرح کند که بتواند مطالب رابه دانش آموز تفهیم کند. وذهن دانش آموز را به چالش بکشاند وبا مطالب کتاب بطور جدی برخورد نماید که ما کمترازاین موارد را درکتاب می بینیم.

ازاین زاویه به نظر من کتاب خوبی نیست ، که چون معمولا معلم ها به یک نوع تنبلی عادت کرده اند وعلاقه ای به مطالعه ندارند وجامعه معلمین درجامعه اهل مطالعه نیست . واین کتاب این عادت بد راازبین نمی برد.

نکته بعدی اینکه این کتاب سعی کرده است نگاه نو وجدیدی بر مسائل جغرافیایی ایجاد کند یعنی زاویه فکرش را با کتابهای دیگرعوض کرد ه است. اما موفقیت چندانی دراین امر نداشته است. یک سری بحثهایی دراین کتاب داریم که درسالهای قبل وحتی درچند درس همین کتاب تکرار شده است. نقشه ها قدیمی و فاقد کیفیت لازم هستند.

متاسفانه کتاب نتوانسته است جغرافیای نوین وکاربردی آن را درحل مسائل جدی واساسی جامعه به دانش آموزان نشان دهد وبا سردرگمی درمطالب ( که نشانگرعدم دقت ونبودن زمان کافی می باشد) ، جغرافیا را به عنوان علمی تکراری وصرفا حفظی معرفی می کند. این کتاب باید انواعی ازفرهنگها مختلف جهان وتنوع وپراکندگی مکانی وتفاوتهای آنها را پیش روی دانش آموز بگشاید وحالا خود معلم هم باید برود پیرامون اقوام ، جوامع ومسائل اقتصادی وجمعیتی و..... هم مطالعه کندوبه زمینه فکری خوبی برسد . این می تواند یکی ازنقاط قوت وخوب یک کتاب جغرافیا باشد که متاسفانه کتاب حاضر سال دهم فاقد آن است.

دانش آموز برای آشنایی با یک علم لازم است روند تحولات آن علم را ازآغاز تا زمان حال بخوبی آشنا شود ودراین راه مکاتب مختلف جغرافیا ورشته های تخصصی آن و کاربرد آنهارادربرنامه ریزی کلان وخرد آشنا شود که این امرباعث ایجاد یک حیات علمی تخصصی برای دبیران جغرافیا می شود.چون متاسفانه دررشته جغرافیا ، بخصوص درمناطق محروم ومدارس غیرانتفاعی دبیران بیشرازاینکه فارغ التحصیل رشته جغرافیا باشند فارغ التحصیل علوم تربیتی ، فلسفه ، مدیریت وانواع رشته ها هستند.چیزی حود 10 الی 15 رشته غیراز جغرافیا کتاب جغرافیا را تدریس می کند .بیشترکتابهای قدیم به دلیل ساده بودنشان دردوره دوم متوسطه این زمینه را برای مسئولان مدارس ایجاد می کند که ازدبیران غیرمرتبط استفاده کنند. بطورمثال برای معلم علوم تربیتی کافی بود یک مقدار مطلب را حفظ کند و2 مثال هم اضافه بگوید وقدرت ارائه مطلب را داشته باشد.منتهی مطالب کتاب جغرافیا تاحدی تخصصی وکاربردی باشد که این زمینه را بردبیران غیرمرتبط ببندد.

فصل دوم کتاب مانند فصول دیگر کتاب نتوانسته است حق مطلب را ادا کند. چنان ناقص ، ساده ، ابتدایی وتکرار مطالب دوره متوسطه اول است که دبیروبخصوص دانش آموز را خسته وناامید ازدست یابی به مطالب جدی و جدید وکاربردی می سازد. اصطلاحات و واژه های درس بسیار ساده وغیرعلمی بیان شده است که برای دوره ابتدایی مناسب است.

مطلب بعدی که متاسفانه امروزه مطرح می شود خاستگاه غربی علم جغرافیا وعدم کاربرد درکشورهای اسلامی مانند ایران است که جواب به این بحث بسیاروقت گیراست

ولی برای شروع می توان آیات ، احادیث وروایتهای قرآنی واسلامی که درموارد جغرافیایی وجود دارد شناسایی گردد تا به اصطلاح متعصبین علم جغرافیا هم رابطه ای با اسلام داشته باشد و جغرافیای ما جغرافیای اسلامی باشد نه صرفا غربی.

مطلب دیگر این است که جای سوالهای کوتاه درداخل متن بسیارکم یا کم است !!!!!که اینگونه سوالات درکتاب می تواند سبب بارشهای فکری در مورد موضوع درمحدوده زمانی کوتاه شود. البته با زیرکی درآن بخش که دبیرسوالهای کوتاه از دانش آموزان می پرسد ، این سوال پرسیده شده می توان وجه مثبت داشته باشد.

مطلب مهم دیگراین است که موضوعات کتاب های جغرافیایی باید واقعیتهای موجود را فارغ ازهرگونه سیاست زدگی و تعصب بیان کند ودانش آموز به پاسخ های فراوان خود درمورد واقعیتهای اطراف خود پی ببرند.بطور مثال کتابهای جغرافیایی باید طوری ویژگیها ، فرصتها ومحدودیتهای طبیعی وانسانی ایران وجهان را به دانش آموزان نشان دهد تا دانش آموزان متوجه شوند که کشورچین برچه اساسی توانسته است به رشد وتوسعه ای که امروزه شاهد آن هستیم برسند. وچه ابعاد منفی درآن وجود دارد.

بنابراین از مباحث ساده وبدیهی وتکراری دردوره دوم متوسطه باید پرهیز کرد مثلا آمریکای لاتین که ما درقاره آمریکا 20 کشورداریم که تحت عنوان آمریکای لاتین یاد می کنیم .اگرراجع به برزیل یا شیلی مطالعه نمی کنیم یک فهم کلی ازاین سرزمین ها به دانش آموز بدهیم. این امرعجیب توسعه فکری ایجاد می کند به لحاظ نوع اجتماعی ، خصلتها ، باورها و....

ویل دورانت درکتابش می گوید روزی کشورچین تمام جهان را تصرف می کند به دلیل ویژگیهای فرهنگی ، اجتماعی ، طبیعی که دراین سرزمین نهفته است امکان پذیرخواهد شد..

خیلی خوب بود که درکناراین دو مثال روشن وواضح به کشورایران اشاره و این ویژگیها با ویژگیهای کشورایران مقایسه می شدتا دانش آموز خود به محدودیتها ویا امتیازات وتوانهای بالقوه وبالفعل ایران برای رسیدن به رشدی مانند چین پی می برد. چنین جغرافیایی جذاب ، کارآمد وپاسخگوی نیازهای دانش آموزان دوره متوسطه دوم امروزی می باشد.نه یکسری مطالب ساده وپیش پا افتاده. کتاب جغرافی اهدافش با کتابهای دیگر بسیارفرق میکند.

درس ریاضی ، فیزیک ممکن است بتواند دانش آموز را پشت میز نگه دارد ولی درس جغرافیا بصورت فیزیکی ممکن است دانش آموز را درکلاس نگه دارد ولی روحا بچه ها را ازفضای کلاس خارج می کند ووارد حوزه های اجتماعی و محیطی می کند ومی چرخاند یعنی دانش آموز به طور انتزاعی ذهنش می رود به سمت بیرون ازفضای کلاس ودراین کتاب برای زیبا کردن واثرگذاری اگراین کار می کردند به نظر نتیجه زیبا واثربخشی می توانست بگیرد.

یک جایی ازدرسهای جغرافیا علاوه برخصوصیا ت طبیعی ، باید بافت فکری وفرهنگی آدمها را بکاویم ومطالعه کنیم، متوجه می شدیم که خیلی ازخلق وخوی ها یی که آدمها دارند وانجام دادند درمتن فرهنگی آنها وجود دارد وازآنجا ریشه می گیردو همه اینها ریشه درمکا ن وخصوصیات طبیعی وانسانی مکان دارد.

دانش َآموز درجغرافیای باید یاد بگیرد که تفاوتها وتشابهات بین قسمتهای مختلف جهان ناشی ازتفاوتهای فرهنگی آداب ورسوم و خصوصیات طبیعی و... است. وبدون تعصب با خصوصیا ت فرهنگی مردم ایران مقایسه شود .کتب جغرافیا ی ما باید مبتنی برواقعیت ها باشد ودرراستای شناخت صحیح محیط زندگی خود ومقایسه با محیطهای مشابه ومتفاوت جهان باشد تااین درس ، درسی کاربردی وجذاب باشد نه اطلس جغرافیایی. ماتعداد خیلی محدود جوامعی داریم که هنوز به صورت بدوی زندگی می کنند ودراسترالیا درقطب شمال وجنوب دربخش محدودی ازقاره آسیا ودربخش بیشتری درمقایسه با باقی قاره ها درآفریقا .بدوی زندگی می کنند لباسشان ازالیاف گیاهان است .ازدواجهای چند شویی دارند وهیچ مکتب دینی آنجا رواج ندارد وجزشامانیزم (شامانیزم جادوگری است که نقش پیامبررابرای آنها ایفا می کند . علل وریشه جنگها وتفرقه ها درجهان درحال توسعه را درکنارویژگیهای طبیعی آنها مقایسه کرد.دردرس یک باید علاوه برشناخت مکاتب جغرافیای غربی نیزبه جغرافیای اسلامی مانند مکتب جبرجغرافیایی ابن خلدون اشاره کرد وازآن استفاده کنیم که خیلی ساده وقابل فهم بیان شده است.

مادرس فیزیک را دراینجا بررسی نمی کنیم . می خواهم بگویم تدریس معارف اسلامی درایران به مراتب ساده تراز جغرافیا است . روانشناسی که خیلی ساده است. یک سری اصول وقواعد چیده شده وموضوع مشخص را منتقل می کند وکسی مدعی آن نیست. آنچه که ما دراینجا باید بحث داشته باشیم درواقعیت ترکیب پیچیده شرایط محیطی ،طبیعی ، فرهنگی ، سیاسی اجتماعی امروز ما درایران برمی گردد. یعنی می خواهم عرض کنم زمینه اینکه شما کتابی رابه اسم جغرافیا آن هم درتشکیلاتی مثل وزارت آموزش وپرورش با مخاطب عام بخش وسیعی از دانش آموزان می خواهید مطرح کنید اگر ماخودمان را جای مولفین کتاب بگذاریم یقینا دست وبالمان بازتر ازاینکه اینها بوده . نخواهد بود.یعنی می خواهم بگویم آنچه دراین کتاب درس می آید ،همه اش محصول فکر واندیشه 7-8 نفری که اینجا نشسته اند نیست بلکه یک مقدارهم جبرهایی ازبیرون خودش را براین فضا تحمیل می کند. کتاب جغرافیا دراین سی وخرده ای سال گذشته بهترمی دانند چه سیکلی راطی کرده است .ما ازروزی که آقای..... بدون داشتن صلاحیت لازم یک کتاب دینی نوشت واسم آن را گذاشت تعلیمات اجتماعی بدون آنکه درحوزه علوم اجتماعی تخصص خاص داشته باشد،حال درمعنای عام آن یک بحث دیگراست به خودش اجازه که همچین کاری بکند .تاروزی که جغرافیدانانی مانند دکترچوبینه و.... کتاب جغرافیایی را تالیف کردند، فاصله ها زیاد شده است. امروز هم همین داستان است. من چو ن ازنزدیک شاهد هستم ما شک دراین نداریم وبرای ما وروشن است که با این محدودیت ما می خواهیم به سراغ کتاب جغرافیا برویم وببینیم چه می توانیم بکنیم تا مسئله رایک مقدار روانترکنیم .

ما مدعی هستیم که جغرافیا علم است . خیلیها آن را به عنوان علم کاربردی قبول ندارند .

اگرما بپذیریم که جغرافیا علم است واصول قواعدی دارد.لذا آموزش وتعلیم آن نیزباید اصول وقواعد مشخصی داشته باشد که متاسفانه ما هنوز درایران به آن دست نیافته ایم.یعنی دلیل اینکه به نظر من می آید که گروهی جغرافیا را عمیق نمی فهمند .منشاء یک سری برداشتهایی می شوند وبراساس نفوذی که دارند وجایگاهی که دارند می خواهند آن نگاه ودید را منتقل کنند.( مانند بعضی از مسئولان تالیف کتب درسی)

امروز درکتاب دبیرستا ن ،فردا درکتاب دانشگاه وقاعدتا پس فردا با قیچی کردن کتابهایی که وارد می شود یا درداخل به صورت تکرارتولید می شود. این نکته اولی وکلی است که درفضای علوم انسانی ایران امروز حاکم است. متاسفانه شاهد هستیم گاه افرادی نا آگاه ومتعصب بیان می کنندکه آنچه که ما به عنوان جغرافیا دردنیا داریم به دلیل اینکه پایه اش بریک سری تفکرات واندیشه ها ومکاتب غیرالهی بنیان گذاشته شده است. ارزش واقعی خودرا ندارد. ووظیفه دارند که هرروز ا ز دایره آن درساعات کتب درسی بکاهند وحتی دربرخی موارد شاهد حذف آن باشیم.اگر دعوای بین مولفین کتاب وسیاستگزاران کتب درسی هنوز ادامه دارد من دبیرجغرافیا ، مولف کتاب جغرافیا یا مدرسین این کتاب برای دانش آموزان چگونه به خودم اجازه دهم بحث هایی را داخل کتاب بیاورم که برخی دیگراز متفکرین که ادعای شناخت جغرافیا رادارند وتفکرشان دینی است ، اصلا آن رابه عنوان جغرافیا یا درس اسلامی یا مذهبی نگاه نمی کنند وقبول ندارند وحرفهای دیگر می زنند .آیا ما می توانیم به خودمان ااجازه دهیم درقسمت آخر این کتاب شناخت جغرافیاوزمین ومحیط زیست را ازدیدگاه قرآن بررسی کنیم ویک مفسرحاذق قرآنی برما ایراد نگیرد.

مهمترین خطای آموزش وپرورش یا قصور وزارت آموزش وپرورش این است که بیشتر کتب علوم انسانی مانند جغرافیا برای دانش آموز علوم انسانی روش شناسی یا متدلوژی ندارد. این درحالی است که تدریس جغرافیا به دلیل پیچیدگی مسائل انسانی وتجربی ، روش شناسی خاص خودش را دارد.

با بیان این مطلب دیگر مشخص می شوددبیرغیرمرتبط با جغرافیا تدریس این درس را به عهده گیرد معلوم است که ازته آن چیزی در نمی آید ونهایت نگرانی مان هم می شود دانش آموز. درمورد این کتاب اعتقاد من این است که این کتاب چون اولین سال دردوره متوسطه دوم تدریس می شود به 3 الی 4 قسمت کلی ودرارتباط با یکدیگرتقسیم گردد. یک بخش ازآن رابه مباحث فلسفه علم ؟ روش شناسی علم جغرافیا؟ فلسفه علم برای دانش آموز درجغرافیا همین قدراهمیت دارد که درفیزیک اهمیت دارد.

ما قاعدتا راه را گم کرده ایم .کاملا مشخص است عزیزانی که این مطالب درسی را تالیف کرده اند دغدغه ذهنی سنگین داشته اند .من معلم با 24 سال تدریس اعتقادم این است . مخاطب این کتاب دانش آموز نیست ، حتی من اعتقاد دارم مخاطب آن دانشجو دوره لیسانس هم نیست ، چون آنها دردانشکده اصلا این دغدغه ها راندارند. بلکه مخاطب این کتاب خود معلمین هستند .شاید به این علت که شما چند صباح بعد کتابی به عنوان راهنمای تدریس معلم چاپ وآنرا دراختیارمعلمین قرار می دهید .کتابی که ماهیتش به عنوان راهنمای معلم نگارش درآمده است. کتاب فاقد هدف گذاری مشخص است . درتما م کتاب آشفتگی مطالب ، تکراری بودن ، عدم ارتباط مطالب فصول با یکدیگرو...... به چشم می خورد.

اصلا مولفین کتاب بایکدیگروبا دبیران ودانش آموزان نظرسنجی کرده اند که مطالبی که ازمعلمین ودبیران سراسر کشور دررابطه با موضوعات کتاب جغرافیا جمع آوری شده است چه میزان خواسته آنها رابرآورده کرده است؟ اصلا به درد دانش آموز دوره دوم متوسطه می خورد یا نمی خورد؟ اگربه درد می خورد چه چیزش به درد بچه ها می خورد؟ مایک جوان 18 ساله که ممکن است بعد ازفارغ التحصیلی ادامه تحصیل ندهد وازدواج کند یا درخیابان خرید کند وسوارتاکسی شود ومیوه را پوستش را درسطل آشغال بیاندازد یانه درخیابان مهارتهای زندگی او، کنش وواکنشهای او درحد خیلی ساده .اینها نیازهای دانش آموز دوره ابتدایی است . ودوره های تحصیلی بالاتر باید به علتهای پیچیده تر وشناخت عمیق تراز مسایل ومشکلات کشوروجهان دست یابد . وبتواند درزندگی روزمره خود نیز برنامه ریزی برای استفاده وحفظ محیط زندگی خود داشته باشد. ودرساختن کشورخود احساس مشارکت کند و....

ماباید کتب درسی تالیف کنیم که بتوانیم دغدغه ها وجریانهای فکری وذهنی برای دانش آموز ایجاد کند و آنهارا در کاهش معضلات اجتماعی،اقتصادی،محیط زیست و....یاری کند و ازمسایل کلیشه ای که همان حفظ کردن وامتحان دادن است دور شویم.

این کتاب به قدری از خاستگاه اصلی خود دور است که اگرتوسط دبیرضعیف تدریس شود من اتفاقا خیلی خوشحال می شوم .یک دبیرضعیف ازمطالب سرسری می گذرد و هیچ تغییری درجریان فکری دانش آموز ایجاد نمی کند وبا بالاترین نمره هم درس را می گذارند. ولی اگر معلمی باشد که بخواهد ریزشود وجغرافیا وخاستگاه این مکاتب وجریانات را بگوید اگریک دانش آموز تیز باشد، سریع می آید سراین نکته که این بحث هایی که شما می کنید باهم نمی خواند. یا تکراری وسطحی است. این زمان است که این کتاب جوابگوی نیاز دانش آموز دوره دوم متوسطه نیست.

این کتاب هیچ مشکلی برای دانش آموز ودبیر ضعیف دوره دوم متوسطه ایجاد نمی کند ولی هرچه دانش آموز دقیق تر ومعلم دقیق تر وباسوادتر باشند مشکلات این کتاب برایشا ن بیشتر است. بیایید بعضی ازدرسها را بصورت فیلم وبا کارعملی باشند .مانند مطالب گردشگری یا سکونتگاهها که هم جذابیت بیشتری هم دارد وهم دست معلم باسواد وآگاه درآموزش بازتر خواهد بود.

همین ها را بیاوریم عمیق ودقیق تر با زبان ساده و روان به دانش آموزان ارائه دهیم .

شاید یکی از خوبیهای دیگراین کتاب این است که بطور مثال همه دانش آموزان چه ضعیف وچه قوی ، چه مطالعه داشته باشند یا نداشته باشند درآخرسال قبولی آنها ازقبل تضمین شده است!!!!!!!!!!!!!!!!

طرحریزی ناقص مباحث کتاب ، ارتباط ضعیف طولی وعرضی کتاب ، سکته هایی که دراین ارتباط وجود دارد.که باعث ایجاد حفره او این حفره ها باعث انقطاع بحث ودوگانگی مباحث کتاب شده است.

ارتباط متقابل محیط زیست با انسان درکتاب مورد بحث قرار گیرد ونشان داده وثابت گردد تا حتی برخی از مسئولان ودست اندرکاران دفترتالیف ،جغرافیا را فقط ازبرکردن اسامی ، نقشه و.... نداندو به آنها ثابت شود که شناخت انسان ومطا لعه رابطه متقابل آن با محیط زیست تنها ازرشته جغرافیا برمی آید . وبه جرات می توان عنوان کرد که علوم دیگردربیان این موضوع قادر به پاسخگویی نمی باشند .که این بحث باید یکی از محورهای اصلی کتاب جغرافیای دهم باشد.

اگرتوانستیم حداقل به موارد فوق الذکر عمل کنیم هم به معلمان وهم به دانش آموزان وهم به علم جغرافیا خدمت کرده ایم.

درانتها دوسه نکته وجود دارد که بعضی از همکاران ما به کتاب فقط به عنوان ابزار تدریس نگاه می کنند ونقد هایشان نقدهایی است برای روان تر شدن کارشان به عنوان یک معلم است .اینها نقد های مشکلی است که خوب است ونیازهم هست. ولی نقد های ما معلمان باید بیشترنقد محتوایی باشد. این هم یک بخش ازکا ر نقد است.

به خاطر موقعیت کاری که دردبیرخانه کشوری دارم با بیشتر نقدهای دبیران جغرافیای کشور آشنا هستم ومتاسفانه نگاه کلان به بحث کتابها کم است ومن تاسف خوردم دبیرجغرافیا نباید اینگونه باشد.ضمن اینکه دست بسته بودن مولفین کتاب هم یادمان نرود.

 والسلام